

بر حق سبحانه و تعالی و سر یکدگر او سبب ترک ادب مشغولی
 رو کند آن شخص مرد و دنیا و آخرت شود لغو و با الله
 مشغولی بر زبان شریف ایشان بسیار میگذشت **مشغولی**
 از ادب بیرون گشتن این فلک و از ادب معصوم پاک آمد ملک
 بی ادب تنهائی خود داشت بلکه تشنه بر هم آفاق زد
طلب باید در عبادت حق سبح و تعالی و برین مثال امر و
 از نمانی ظاهر باشد و در حدیث آمده است که از غازی غازی
 لغات کن هاست که میان این دو نماز واقع شده است
 چون از کباب نمایند شیخ و اوستی قدس الله و معنی این
 الحسنة بدن هبن السیات **فرمود الله**
 انوار طاعت اظلام معاصی را جو میپزد و دیگر **الله** آورده
 ذکر و مراقبه و زنی شمار و لغات من الیل ظلمات اوقاتی
 بخواجه نفسانی صرف شوی و دفع میکند **طلب باید**

بعد وقت

بعد وقت در شکر گذاری حق سبح و تعالی بوده باشد این
بدانای طالب یعنی شکر الهیست که آنچه حضرت حق
 تر داده است از نعمت و روی عاصی نشوئی و لغت او را
 سرمایه عصیت نیازی در خبر آمده است خواهی بود که در
 ترمیزی رحمة الله علیه فرموده اند که من چهار کتب و هر یک
 حق عزه و علایقها نازل کرد است همه را خواندم و معانی آن
 نیکی فهم کردم و هر ایزدین همه آن بود که از نعمت و تقوی
 خلق حضرت حق سبحانه و تعالی را پسندید چیت ازین همه چیز
 یا فهم یکی تعظیم کردن قولهای خدای تعالی دیدم تعظیم و شفقت
 بر خلق خدای تعالی و آن سبب است بر مردمان جنایه رسول
 علیه السلام فرموده اند که تعظیم لامر الله و الشفقت علی
 خلق الله **باید** هر روزی میکند و نمیکند که ای فرزند
 آدم غنیمت دارم شاید که بعد از من روزی دیگر نباشد